سوژه

به بهانه حمایت کمیته ملی المپیک از قهرمانان

پول حرف اول را نمی‌زند

ایران ورزشی - کمیته ملی المپیک از زمان حضور رضا صالحی امیری رویکرد متفاوتی نسبت به قهرمانان ورزشی داشته و هر بار که ورزشکاری با مشکلی مواجه شده، ورود کرده است.

سهراب مرادی، کیانوش رستمی، احسان حدادی، حامد حدادی، ارسلان کاظمی، حمیده عباسعلی، حسن تفتیان و خیلی از چهره‌های دیگر در این ۴،۳ سال اخیر مسائل متعددی داشته‌اند.

برخی با فدراسیون‌هایشان مشکل داشته‌اند و عده‌ای هم با آسیب‌دیدگی مواجه شدند که در همه این موارد کمیته ملی المپیک سعی کرد با پادرمیانی و صرف هزینه‌های زیاد، حمایت همه‌جانبه ای از ورزشکاران داشته باشد و آنها را برای حضور در المپیک و موفقیت حفظ کند.

دو نفر از این چهره‌ها سهراب مرادی و کیانوش رستمی هستند که رضا صالحی امیری و همکارانش در کمیته ملی المپیک از هیچ کوششی برای حمایت‌شان دریغ نکردند اما حالا که کار این دو وزنه‌بردار به اینجا کشیده و هر دو حضور در المپیک را از دست داده‌اند، این سؤال مطرح می‌شود؛ آیا حمایت صد درصد مالی کفایت می‌کند. البته جنس حمایتی که از سهراب شده با آنچه در قبال کیانوش در پیش گرفته شده؛ کاملاً متفاوت است.

سهراب در مسیر آماده‌سازی برای کسب سهمیه المپیک مصدوم شد و فرصت‌های زیادی را از دست داد. کمیته ملی المپیک فراتر از فدراسیون به موضوع ورود کرد و با تقبل همه هزینه‌های درمانی، سهراب را به آلمان فرستاد و کاری کرد که او در بهترین شرایط تحت عمل جراحی قرار گیرد.

بعد هم سایر حمایت‌ها صورت گرفت اما حالا که او در کلمبیا نتوانسته کاری از پیش ببرد و باز هم مصدوم شد؛ این سؤال مطرح می‌شود که آیا هر آنچه در مورد سهراب انجام شده، کافی بوده است؟ در مورد کیانوش هم روال به گونه‌ای دیگر بوده و او بیشتر از سر ندانم‌کاری و ویژگی‌های اخلاقی خاص‌اش در این وضعیت قرار گرفته اما باز هم کمیته او را حمایت کرده و می‌بینیم که مرد طلایی المپیک ریو مثل سهراب مرادی همه فرصت‌هایش را برای کسب سهمیه المپیک از دست داده است.

او حالا دلش را خوش کرده به امتیازات سوییس که بعید است اتفاقی در این زمینه بیفتد و می‌توان با قاطعیت گفت که کیانوش هم امیدی ندارد و حالا در رابطه با او هم این سؤال را باید از مسئولان کمیته ملی المپیک پرسید که آیا همه حمایتی که صورت گرفته، کافی بوده است؟

حتماً نگاه مسئولان کمیته مثبت بوده اما آنچه امروز در ارتباط با سهراب مرادی، کیانوش رستمی و حتی احسان حدادی رخ داده، حکایت از این دارد که عوامل دیگری جز حمایت مالی هم نیاز بوده‌اند تا ورزشکاران ایران در مسیر بزرگترین رویداد ورزشی محافظت شوند.

شاید اینطور گفته شود که سهراب مصدوم شده و این عامل از دست همه خارج است اما او در گفت‌وگویش از استرس و خستگی زیاد به عنوان عوامل ناکامی‌اش یاد می‌کند که این عوامل قابل کنترل هستند.

بیشتر اطلاعات کمیته بر اساس صحبت‌هایی است که مسئولان فدراسیون‌ها ارائه می‌کنند و در آخرین گزارش‌ها از سوی فدراسیون وزنه‌برداری به مسئولان کمیته گفته شده بود که سهراب وضعیت فوق‌العاده‌ای دارد اما اتفاق‌های ازبکستان و کلمبیا نشان داد که اینطور نبوده است.

اتفاق‌هایی که افتاده، یک واقعیت را نشان می‌دهد؛ اینکه صرفاً حمایت مالی کافی نیست و نیاز است مراقبت‌های بیشتری صورت گیرد.

البته که این جزو وظایف فدراسیون‌هاست اما حالا که مدیریت برخی رشته‌ها به دست افرادی افتاده که توانایی چندانی در اداره فدراسیون ندارند یا اصلاً دغدغه‌شان نسبت به چند سال اخیر فرق کرده؛ کمیته ملی المپیک باید رویه‌اش را تغییر دهد. شاید در بخش نظارت باید ورود بیشتری انجام دهد تا فدراسیون‌ها گزارش‌های اشتباه ندهند.

نگاه

آنچه که تحویل گرفت و آنچه که بجا گذاشت

مرادی؛ در حسرت رکورد بنا

علی مرادی اردیبهشت ۹۴ به عنوان رئیس فدراسیون وزنه‌برداری انتخاب شد. او به جای حسین رضازاده برای این مسئولیت انتخاب شد که عملکرد خوبی نداشت. مرادی بعد از انتخابش به عنوان نفر اول وزنه‌برداری به دنبال رایزنی برای کمیته ملی المپیک هم بود. به همین دلیل هم برای دیدار با رسول خادم که اتفاقاً او هم تازه رئیس فدراسیون کشتی شده بود راهی خانه کشتی شد. رسول خادم آن موقع خیلی اعتقادی نداشت که رئیس فدراسیون باید اتاق بزرگ و مجللی داشته باشد؛ به خصوص اینکه مسئولیت فنی تیم ملی را هم برعهده داشت و به همین دلیل دفترش کاملاً نزدیک به محل تمرین تیم ملی بود. یک در از بیرون خانه کشتی شماره یک به اتاق رسول خادم راه داشت و یک در هم از درون خانه کشتی که علی مرادی با همراهش (داود علی ملکی) از آن وارد اتاق رسول خادم شدند. بعد از اتمام دیدار هم از همان در خارج شدند و این بار علی مرادی با محمد بنا سرمربی تیم ملی کشتی فرنگی روبه‌رو شد. دو دوست قدیمی که رفاقت آنها به دوران ورزشکاری و چند دهه قبل برمی‌گردد. علی مرادی به محض اینکه محمد بنا را از راه دور دید با صدای بلند به نحوی که بنا هم آن را بشنود، گفت: «خودم رکورد محمد بنا در لندن را می‌شکنم.» اشاره علی مرادی به موفقیت محمد بنا با تیم ملی کشتی فرنگی در المپیک لندن بود و قصد داشت با گفتن این جمله برای رفیق گرمابه و گلستانش کری بخواند. کری که اتفاقاً با خنده و همراهی محمد بنا هم روبه‌رو شد. چند ماه بعد از آن مرادی به صندلی ریاست رسید و تیمی در اختیارش قرار گرفت که پر از ستاره بود. از سعید محمد پور گرفته تا بهداد سلیمی، سجاد انوشیروانی، نواب نصیر شلال، کیانوش رستمی و سهراب مرادی که همه به جز سهراب از لندن با مدال برگشته بودند و حالا مدعی رسیدن به مدال طلای جهان و المپیک آینده بودند اما علی مرادی با این همه ستاره توانست به رکورد محمد بنا برسد؟ المپیک ریو بهترین زمان برای این کار بود اما دو طلای کیانوش و سهراب تنها دستاورد تیمی بود که بهداد هم در آن قربانی اتفاقاتی شد که علی مرادی در به وجود آمدنش بی‌تأثیر نبود. بعد از ریو خیلی‌ها امید داشتند که وزنه‌برداری ایران با علی مرادی اشتباهات گذشته را کنار بزند و در توکیو رکورد بنا را بشکند اما حالا در توکیو چه چیزی در انتظار وزنه‌برداری است؟ رکورد بنا که افسانه شد، علی مرادی حتی رکورد خودش را هم نمی‌تواند تکرار کند. دو طلا در سیدنی و دو طلا در ریو رکوردهای علی مرادی در وزنه‌برداری بودند اما حالا برای توکیو هر دو طلایی ریو در کسب سهمیه ناکام ماندند و به اجبار هم از وزنه‌برداری خداحافظی کردند. از بهداد، سجاد انوشیروانی، محمد رضا براری، نواب نصیر شلال و سعید محمدپور هم مدت‌هاست خبری نیست. برای هیچ‌کدام از این نفرات هم جایگزین شایسته‌ای وجود ندارد. اینکه برای این ستاره‌ها جانشینی ساخته نشد، یک طرف قصه است اما قسمت دیگرش این است که برخی از این قهرمانان زود خداحافظی کردند و می‌توانستند بمانند و افتخارآفرین باشند اما بی‌برنامگی و ضعف مدیریت آنها را خیلی زود پرپر کرد. خود علی مرادی هم به انتهای خط مدیریتش در وزنه‌برداری رسیده اما وزنه‌برداری را چگونه می‌خواهد تحویل بدهد؟ آن چیزی که تحویل گرفت با این چیزی که تحویل می‌دهد اصلاً شباهتی به هم ندارند. او می‌خواست رکورد بنا را بزند و نامش در وزنه‌برداری جاودانه شود اما حالا نامش با این ناکامی‌ها عجین شده است.

خبر

تقدیر صالحی امیری از سهراب مرادی

سید رضا صالحی امیری طی پیامی از رشادت‌ها و تلاش‌های خستگی‌ناپذیر سهراب مرادی برای حضور در رقابت‌های کسب سهمیه المپیک توکیو تقدیر و تشکر کرد. در متن این پیام آمده است: «سهراب مرادی بولادمرد افتخارآفرین و با اخلاق کشورمان به رغم آسیب دیدگی مزمن جهت حضور در بازی‌های المپیک توکیو، دلاورانه با تحمل درد و رنج فراوان پنجه در پنجه پولادسرد با حریفان سر سخت خود نهاد تا بتواند بار دیگر پرچم پر افتخار میهن عزیزمان را در این میدان بزرگ برافراشته نماید. سهراب عزیز با تکیه به قدرت لایزال الهی و با ذکر یا علی (ع)، تمام همت، قدرت و توان خود را در چله غیرت و مردانگی نهاد و حتی درد مزمن کتف و کمر وی هم مانع از حضور ایشان در این میدان سخت نشد. بی‌شک این سرزمین، خاستگاه شیرزنان و دلیرمردانی است که با از خودگذشتگی و جانفشانی بارها و بارها کام ملت را شیرین کردند و در دل این مردم عزیز و قدرشناس جای گرفتند. یاد و نام سهراب قهرمان و پهلوان نامدار ایران زمین تا ابد بر تارک اذهان مردم نقش بسته و ماندگار خواهد ماند. از خداوند متعال برای بهبودی و سلامتی قهرمان ارزنده کشورمان دعای خیر می‌نماییم و امید واثق داریم بار دیگر شاهد حضور ایشان در عرصه رقابت‌های آسیایی، جهانی و المپیکی باشیم. وزارت ورزش و جوانان، کمیته ملی المپیک، فدراسیون وزنه برداری و خانواده بزرگ و فرهیخته ورزش قدردان ستارگان ایران زمین خواهند بود.»

بهتر است همین حالا خداحافظی کنم

سهراب مرادی: هر کاری کردم توکیو قسمتم نشد

گفت‌وگو

رضا عباسپور

شاید اگر هر وزنه‌بردار دیگری جای سهراب مرادی بود و این همه بالا و آسیب پشت سرهم در مسیر المپیک روی سرش آوار می‌شد با همان مانع اولی خداحافظی با دنیای قهرمانی را به ماندن و جنگیدن با تقدیر و سرنوشت ترجیح می‌داد اما سهراب که به انتخاب راه‌های سخت و نشدنی برای رسیدن به اهدافش عادت کرده است، ماند و برای گرفتن سهمیه المپیک دوباره از صفر شروع کرد. ولی دست تقدیر جور دیگری مسیر را برای سهراب رقم زده بود. زیرا ستاره طلایی وزنه‌برداری ایران در ریو ۲۰۱۶ در آخرین فرصت خود برای کسب امتیاز و مجوز حضور در توکیو، روی تخته مسابقه دوباره آسیب دید. آسیب‌دیدگی که کلاً آخرین شانس سهراب را برای او پوچ کرد تا مرادی قید سهمیه المپیک را برای حفظ سلامتی‌اش در همان کلمبیا بزند. به همین بهانه و بعد از پایان مسابقه با سهراب همکلام شدیم تا چند و چون ماجرا را از زبان خودش بشنویم.

خستگی سفر و استرس زیاد، آسیب‌دیدگی کتفم را تشدید کرد

سهراب مرادی، ملی‌پوش وزنه‌برداری ایران در خصوص شرایطش در روز مسابقه انتخابی المپیک در تورنمنت کلمبیا و اینکه چه اتفاقی برایش هنگام رفتن زیر وزنه ۱۷۰ کیلوگرمی در یکضرب رخ داد، می‌گوید: «من علاوه بر آسیب دیدگی که در رکوردگیری تیم ملی قبل از آسیایی برایم رخ داد، مجبور بودم برای گرفتن سهمیه و امتیازات مورد نیازم هم در مسابقات آسیایی وزنه بزنم هم در تورنمنت کلمبیا. البته اینقدر فدراسیون جهانی مسیر کسب سهمیه المپیک توکیو را دشوار و دست نیافتنی کرده بود که ما چاره‌ای نداشتیم به جز تحمل فشارهای سخت و طاقت‌فرسای تمرینی و مسابقه‌ای. به اینها شرایط حساس کتف و کمر جراحی شده‌ام را هم اضافه کنید، متوجه می‌شوید که من چه استرس و شرایط بحرانی را در میدان مسابقه چه در تاشکند و چه در کلمبیا تحمل کردم. من این همه سختی را فقط به عشق مردم و تمامی عزیزانی که در این مدت دلسوزانه کنارم بودند، تحمل کردم تا با سهمیه المپیک و حضور در توکیو دل آنها را شاد کنم اما وقتی تقدیر جور دیگری برایت نوشته شده است هرچقدر هم زور بزنی و تلاش کنی بازهم آن چیزی که می‌خواهی نمی‌شود که نمی‌شود. من در مسابقات آسیایی همانطوری که همه دیدید، یک مقدار به خاطر شرایط و حساسیت مسابقه کتفم زیر وزنه درد گرفت. به همین دلیل نتوانستم بعد از بازگشت در مدت زمانی که تا اعزام به کلمبیا فرصت داشتم، درست و حسابی تمرین کنم و روی بدنم فشار بیاورم. خستگی، استرس عجیب و غریبی که جدول امتیازی ما برای کسب سهمیه داشت، تحمل سفر طولانی تا کلمبیا و شرایط آب و هوایی و بدنی‌ام در این کشور، همه و همه دست به دست هم داد تا در کلمبیا اگرچه برای ثبت مجموعی که مورد نیازم بود، هدفگذاری و تمرکز داشتم ولی زیر وزنه ۱۷۰ کیلویی در یکضرب کتفم دوام نیاورد و درد زیادی داشتم. به همین دلیل سریع بعد از پایین انداختن وزنه، دستم را در فرم ایده‌آل نگه داشتم تا مشکل حادتری برایم ایجاد نشود. بعد از آن هم به خاطر اینکه سلامتی‌ام به خطر نیفتد، از حضور در حرکت دوضرب انصراف دادم و کلاً قید المپیک را همانجا زدم چون همان وقت به خودم گفتم سهراب بیهوده تلاش نکن چون توکیو قسمتت نیست. من در طول این مدت خیلی زجر کشیدم و دردهای زیادی را به عشق شاد کردن دل مردم تحمل کردم ولی وقتی پای سلامتی، آینده و زندگی‌ام پیش آمد دیگر جاره‌ای نداشتم جز گذشتن از سهمیه المپیک و خداحافظی با توکیو.»

می خواستم با سهمیه پاسخ محبت خیلی‌ها را بدهم

سهراب مرادی که حالا دیگر شانسی برای المپیکی شدن دوباره و حضور در بازی‌های ۲۰۲۱ توکیو ندارد، تأکید می‌کند که خداحافظی با فشار تمرینات و دنیای قهرمانی الان برای او و سلامتی‌اش خیلی بهتر است: «خدا را شکر می‌کنم که اینجا در کلمبیا و قبل از اینکه سهمیه المپیک یا فرصت حضور و شانس کسب مدال بقیه هم تیمی‌هایم را بگیرم، آسیب دیدگی کتفم تشدید شد تا من از گردونه امتیازی المپیک کنار بروم و فرصت برای جوان‌ترهایی که برای المپیکی شدن امید دارند فراهم شود. اما اگر اینجا سهمیه می‌گرفتم و در توکیو این آسیب دیدگی باعث می‌شد شانس مدال از کاروان وزنه‌برداری گرفته شود هرگز خودم را نمی‌بخشیدم. من اگر این آسیب دیدگی‌ها را نداشتم با رکوردهای قبلی‌ام حتماً شانس طلا بودم، ولی قسمت من هم اینطور بود. خدا را شکر می‌کنم که تمام تلاشم را به کار گرفتم و از جانم مایه گذاشتم تا سهمیه المپیک را کسب کنم ولی نشد و این تقدیر من بود.»

سهراب مرادی ادامه می‌دهد: «من هم مدال طلای المپیک را داشتم و هم چند مدال طلای جهانی و رکوردهای ثبت شده در دنیا. از این رونیازی نداشتم تا با به خطر انداختن سلامتی‌ام دوباره برای المپیکی شدن تلاش کنم. ولی حمایت دکتر صالحی امیری، رئیس کمیته ملی المپیک، دکتر سلطانی فر وزیر ورزش، سید محمد طباطبایی، مدیرکل ورزشی ورزش و جوانان استان اصفهان، رئیس فدراسیون وزنه‌برداری و همه دوستان و عزیزانی که در طول این مدت برادرانه و بدرقه کنارم بودند و هیچ چیزی برایم کم و کسر نگذاشتند تا من با آرامش برای سهمیه المپیک بروسه درمانی‌ام را طی کرده و مهیای وزنه زدن شوم، بی‌نهایت سپاسگزارم. فقط باید بگویم شرمنده آنها هستم که نتوانستم پاسخ محبتشان را با سهمیه المپیک بدهم. فکر نمی‌کنم اگر وزنه‌بردار دیگری هم جای من بود و این همه در را یکجا یدک می‌کشید با آسیب دیدگی‌های گوناگون در بدنش برای سهمیه المپیک تمرینات سخت و سنگین با وزنه را ادامه می‌داد. اما خدا را شکر که من در این مسیر کم نگذاشتم و از صفر دوباره شروع کردم و خودم را به سطح یک وزنه‌برداری دنیا رساندم اما دیگر تقدیر آدمی دست خودش نیست. امیدوارم بعد از خداحافظی با دنیای قهرمانی بتوانم در موقعیت‌های دیگر خدمتگزار جامعه وزنه‌برداری و ورزش کشورم باشم.»

المپیک توکیو قسمت مرادی نشد

پایان تلخ شاهنامه برای سهراب

ایران ورزشی - ناکامی کیانوش رستمی و سهراب مرادی در رقابت‌های وزنه‌برداری آسیایی ازبکستان که حکم تورنمنت طلایی گزینشی را داشت، بیانگر از دست رفتن سهمیه المپیک ۲۰۲۱ ژاپن برای این دو ستاره طلایی وزنه‌برداری ایران در بازی‌های ۲۰۱۶ ریو بود. ولی با توجه به اینکه نمی‌شد آخرین فرصت حضور و کسب امتیاز المپیکی در تورنمنت نقره‌ای کلمبیا را برای این دو وزنه‌بردار نادیده گرفت، سهراب مرادی عازم کالی، میزبان برگزاری این دوره از بازی‌ها شد تا آخرین فرصت هم از دست نرود اما کتف تازه بهبودیافته و جراحی شده سهراب زیر وزنه تاب نیاورد و با تشدید آسیب دیدگی، امید المپیکی شدن او هم مثل کیانوش رستمی به ناامیدی مبدل شد.

قبل از اعزام تیم ملی وزنه‌برداری به مسابقات آسیایی تاشکند ازبکستان، مسعود سلطانی فر وزیر ورزش و جوانان برای بازدید از اردوی تیم ملی و دیدن شرایط ملی‌پوشان خصوصاً المپیکی‌های وزنه‌برداری و چهره‌های شاخصی همچون سهراب مرادی و کیانوش رستمی در کمپ تیم ملی وزنه‌برداری حاضر شد و پشت درهای بسته نظاره‌گر تمرین عصرگاهی وزنه‌برداران بود.

همانجا بود که گویا سرمربی تیم ملی به دستور رئیس فدراسیون وزنه‌برداری برای انجام یک شوی تبلیغاتی و گرفتن رضایت وزیر برای دریافت بودجه بیشتر و اعزام تیم به ازبکستان با هزینه وزارتخانه تصمیم می‌گیرند تا سهراب مرادی به وزنه ۲۳۲ کیلوگرم که رکورد دوضرب جهان در دسته ۹۶ کیلوگرم است حمله کند. اتفاقی که تقریباً تیرخلاصی دوباره بود بر پیکر تازه جان گرفته سهراب مرادی. سهراب گویا طبق دستور سرمربی و رئیس فدراسیون در حالی‌که هنوز بدنش به فرم ایده‌آل قبل بازنگشته و آسیب دیدگی‌هایش صد درصد بهبود نیافته بود زیر وزنه ۲۳۲ کیلوگرمی می‌رود. وزنه‌ای که باعث می‌شود هم آسیب دیدگی کهنه سهراب دوباره شدت پیدا کند، هم از ناحیه عضله پشت ران، مصدومیتی جدید را دودستی تقدیم مرادی قبل از اعزامش به ازبکستان می‌کند! همین باعث می‌شود سهراب برای درمان دردش چند روزی را قبل از سفر به ازبکستان تمرین نکند. بعد هم که عازم تاشکند شد در روز مسابقه نتواند آنچه را که برای دشت سهمیه المپیک نیاز داشت، برای خود روی تخته ثبت کند. پس از آن نیز در کلمبیا همان درد کهنه امان سهراب را بریده تا یک خودنمایی و شوآف تبلیغاتی به ظاهر ساده و پیش پاافتاده که می‌توانست اصلاً در دستور کار کادرفنی و فدراسیون نباشد، باعث شود تا تشدید آسیب دیدگی سهراب مرادی، فرصت طلایی کسب سهمیه و حضور در سومین المپیک دوران ورزشی این وزنه‌بردار را از او بگیرد. بنابراین به جرأت می‌توان اذعان داشت که رئیس فدراسیون و سرمربی تیم ملی وزنه‌برداری نقش اساسی و کلیدی در تغییر سرنوشت سهراب مرادی و حذف او از چرخه امتیازی کسب سهمیه المپیک در دسته ۹۶ کیلوگرم داشتند. زیرا اگر آنها اجازه نمی‌دادند و از سهراب نمی‌خواستند که جلوی وزیر به این وزنه سنگین حمله کند، الان وضعیت سهراب اینگونه در کلمبیا رقم نمی‌خورد. سهراب برای رسیدن به سهمیه المپیک اصلاً نیازی به مهار وزنه ۲۳۲ کیلویی نداشت چون او با مجموع ۳۸۷ هم سهمیه‌اش قطعی می‌شد اما همین ندانم‌کاری ساده کار دست سهراب و وزنه‌برداری ایران داد تا کاروان ایران از داشتن یک چهره شاخص و نامدار دیگر در المپیک توکیو محروم باشد.

ماجرایی شبیه داستان امیر و بابک

رقابت عجیب و مخرب

گزارش

محسن آجرلو

حوالی سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ بود. اوج رقابت دو کشتی‌گیر فوق‌العاده و قدرتمند در کشتی فرنگی. امیر علی اکبری و بابک قربانی در آن سال‌ها بهترین‌های وزن ۹۶ کیلوی کشتی فرنگی بودند. تیم رویایی که در لندن بهترین نتیجه تاریخ را گرفت اما بدون این دو نفر. رقابت تمام نشدنی امیر و بابک در اردوی فرنگی آنقدر نزدیک و جذاب بود که حتی خود محمد بنا هم نمی‌توانست پایانی برایش متصور باشد. رقابتی که البته از یکجایی به بعد به بیراهه رفت و هردوی این نوابغ کشتی ایران را به جاده خاکی کشاند. جاده‌ای که این بار هیچ راه برگشتی برایشان باقی نگذاشت. داغ شدن بیش از حد تنور رقابت هردو را به ورطه دوپینگ و استفاده از عوامل خارجی برای غلبه بر دیگری کشاند و در نهایت هم منجر به خروج هر دو از دنیای کشتی شد.

همان سال‌ها و در دنیایی موازی، دو جوان در وزنه برداری ظهور کرده و چویای نام بودند. سهراب ماجرا چند دوره‌ای در جوانان جهان و قهرمانی آسیا وزنه زده و حتی به قهرمانی در آسیا هم رسیده بود. کیانوش اما از همان ابتدا اقبال بیشتری را تجربه کرد و البته اشتباه‌های رقیب هم مزید بر علت شد تا کار را از سهراب بگیرد. رقابت این دو نفر از همان سال‌ها شکل گرفت. از المپیک لندن که سهراب با وجود شانس مدال طلا اوت کرد و کیانوش در اوج جوانی برنزی را بر گردن آویخت که بعد‌ها نقره شد.

کشمکش‌های پشت پرده، رقابت‌های غیر مستقیم و چشم و هم چشمی‌های این دو قهرمان، تا نزدیکی سومین المپیک هم کش آمد. شانس با ورزش ایران یار بود که در ریو هر کدام در اوزان جداگانه روی تخته رفتند و الا هیچ بعید نبود که این رقابت بیهوده طلا را از چنگ هردوی آنها بیرون بکشد.

با این حال هر دو در ریو طلا گرفتند. دوران سهراب تازه از ۳۰ سالگی و پس از آن بازی‌ها آغاز شد و پشت سر هم رکورد می‌زد اما کیانوش که در سال‌های قبل از آن روی بورس بود، دوران طولانی نزولش را طی کرد و بیش از تمام قهرمان‌های معاصر ایران اوت کرد.

پس از محرومیت علی اکبری و قربانی در سال ۲۰۱۱، هر دو رفتند اما دو سال بعد که دوران محرومیت تمام شد، یکی برگشت اما دیگری هیچ‌وقت رنگ کشتی را ندید. نه تنها کشتی، بلکه خیلی زود رنگ زندگی کوتاهش هم پرید. ماجرای قتل و خودکشی بابک قربانی را دیگر همه ورزشی‌ها می‌دانند و جریان دوپینگ مجدد علی اکبری و رفتنش سراغ مبارزه هم که نیازی به شرح مجدد ندارد.

ماحصل آن رقابت چیزی جز نابودی دوران قهرمانی این دو ورزشکار نبود. رقابتی که البته آنقدرها هم خودشان در آن نقش نداشتند. خیلی وقت‌ها رودررو و با هم تمرین می‌کردند و انتخاب نکرده بودند که جدلی تمام نشدنی را با یکدیگر تجربه کنند. درست بر خلاف دو ورزشکار دیگری که به صورت موازی داشتند سنگ بنای این رقابت مخرب و طولانی را می‌چیدند.

مصدومیت سهراب تیر آخر بود. ضربه پایانی که دیگر همه چیز را تمام کرد و در انتهای سال‌ها جدال و رقابت دو قهرمان وزنه‌برداری ایران نقطه گذاشت. این جدال که اغلب غیر مستقیم، در خفا و پنهانی در تمام این سال‌ها جریان داشت و خیلی وقت‌ها به جای هل دادن سهراب و کیانوش، انرژی‌شان را گرفت تا نتوانند بیش از اینها، سبد مدالی و افتخارهایشان را پرتر کنند.

سهراب مرادی متولد سال ۶۷ و کیانوش رستمی متولد ۷۰ است. سه سال اختلاف سن می‌توانست کاری کند تا دوره حضور این دو وزنه‌بردار متفاوت شده و هیچ‌گاه چنین رقابتی بینشان شکل نگیرد. با این حال محرومیت دو ساله سهراب باعث شد تا به نوعی دوران قهرمانی و اوج این دو ورزشکار همزمانی قابل توجهی پیدا کند و شرایط سختی را ایجاد کند که در نهایت هردوی آنها از آن متضرر شوند.

جدال غیر رسمی و رقابت عجیبی بود. دو ورزشکار با دو روحیه کاملاً متفاوت. یکی بیش از اندازه جسور، بی‌پروا با رفتارهای تهاجمی مکرر و دیگری بسیار حساس و آسیب‌پذیر. در عین حال هر دو بسیار مستعد و در نوع خودشان فوق‌العاده. دو ورزشکاری که شاید اگر فاصله سنی بیشتری داشتند و یا اصلاً در دو دوره کاملاً مختلف به تیم ملی می‌رسیدند، تعداد مدال‌ها و افتخارهایشان قطعاً از امروز بیشتر بود و می‌توانستند جزو نفرات تکرار نشدنی وزنه‌برداری ایران باشند. کما اینکه همین امروز هم هر دو با داشتن طلای المپیک، جهان و آسیا جزو مفاخر این رشته پر مدال هستند اما شاید بتوان به جرأت گفت که هیچ‌کدام به آنچه که لایقش بودند، نرسیدند. سهراب می‌توانست در توکیو به دومین مدال المپیکش برسد و کیانوش هم یکی از معدود سه مداله‌های وزنه‌برداری ایران می‌شد. اتفاقی که نیفتاد و حالا تنها دو تن از سه طلایی ایران در ریو، بلیت توکیو را از دست داده‌اند و هیچ بعید نیست که دیگر هیچ‌کدام را روی تخته وزنه‌برداری نبینیم.

خبر

اعلام نفرات نهایی و کادر فنی والیبال در لیگ ملت‌ها

مسافران ایتالیا

سرمربی روسی تیم ملی بالاخره لیست نهایی‌اش را برای حضور در لیگ ملت‌ها اعلام کرد. لیستی که تکلیف نهایی بازیکنان و کادر مربیان را مشخص کرد تا راهی لیگ ملت‌ها شوند.

طبق اعلام فدراسیون، روز گذشته زمان تعیین‌شده از سوی فدراسیون جهانی بود تا کشورهای حاضر در لیگ ملت‌ها فهرست ۲۵ نفره خود را به منظور حضور در این مسابقات اعلام کنند.

به همین خاطر هم آلکنو در نهایت فهرست ۱۷ بازیکن نهایی خود را اعلام کرد که طبق آن میلاد عبادی‌پور، رضا عابدینی، سعید معروف، سیدمحمد موسوی، پوریا فیاضی، محمدرضا حضرت‌پور، مسعود غلامی، امیر غفور، صابر کاظمی، محمدجواد معنوی‌نژاد، علی‌اصغر مجرد، علی شفیعی، میثم صالحی، محمدطاهر وادی، آرمان صالحی، امیرحسین اسفندیارو بردیا سعادت در لیگ ملت‌ها حضور خواهند یافت.

همچنین همکاران سرمربی تیم ملی در این مسابقات عبارتند از: توماسو توتولو (دستیار اول)، محمدرضا تندروان (دستیار دوم)، سیامک افروزی (پزشک و تراپیست)، نوید مشجری (آنالیزور)، مهدی خباز (بدنساز) و مانلی کسرایی (مترجم).

اتفاق جالب در لیست مربیان، حضور تندروان روی نیمکت و ماندن اکبری در تهران است. حالا باید دید که دیدگاه آلکنو برای این تصمیم چگونه است. آیا تصمیم نهایی‌اش را گرفته و یا قصد دارد تندروان را در لیگ ملت‌ها آزمایش کرده و کار را برای انتخاب نهایی ساده‌تر کند.

آلکنو روز گذشته در ابتدای تمرین پنجشنبه پیش از اینکه سوت آغاز تمرین را بزند، طی جملات کوتاهی خطاب به بازیکنان و همکارانش در کادر فنی گفت: «با توجه به اختیاری که از سوی رئیس فدراسیون دارم، بر اساس نیاز تیم در خصوص بازیکنان و اعضای کادر فنی تصمیم می‌گیرم. مسئولیت انتخاب با من است.»

به این ترتیب تیم ایران با نفرات و کادر اعلام شده راهی لیگ ملت‌ها خواهد شد و قطعاً پس از این بازی‌ها، با تغییراتی تیم المپیکی را تشکیل خواهند داد.

۴ کاراته‌کا برای سهمیه المپیک به پاریس می‌روند

مرحله نهایی رقابت‌های کاراته انتخابی المپیک به میزبانی پاریس و با حضور چهار کاراته‌کا از ایران برگزار می‌شود. پس از پایان رقابت‌های کاراته کسب امتیاز ورودی المپیک از طریق سیستم رنکینگ، آخرین مرحله از رقابت‌های گزینشی کاراته در اوزان المپیکی طی روزهای ۲۱ تا ۲۳ خردادماه به میزبانی فرانسه در سالن «پیردوکوبرتن» شهر پاریس برگزار می‌شود. این رقابت‌ها در اوزان المپیکی ۶۷-، ۷۵- و ۷۵+ کیلوگرم مردان، ۵۵-، ۶۱- و ۶۱+ کیلوگرم زنان و کاتای انفرادی مردان و زنان برگزار می‌شود که تاکنون ۲۲۱ کاراته‌کا از ۵۱ کشور ثبت نام کرده‌اند و طبق پیش‌بینی سایت فدراسیون جهانی ۸۰۰ کاراته‌کا برای کسب ۲۴ سهمیه به رقابت می‌پردازند. کلیه کشورها می‌توانند در اوزان و بخش‌هایی که از طریق سیستم رنکینگ موفق به کسب سهمیه نشده‌اند، کاراته‌کاهای خود را به این مسابقات اعزام کنند.

از ایران نیز نام چهار کاراته‌کا در دو بخش کاتا و کومیته برای حضور در این دوره از رقابت‌ها روی سایت رسمی مسابقات ثبت شده است. فاطمه صادقی و ابوالفضل شهرجردی در کاتای انفرادی، امیر مهدیزاده در کومیته وزن ۶۷- کیلوگرم و رزیتا علیپور در وزن ۶۱- کیلوگرم برای کسب سهمیه المپیک راهی پاریس می‌شوند. کلیه کاراته‌کاهایی که موفق به کسب یکی از مدال‌های طلا، نقره و برنز شوند به صورت مستقیم جواز حضور در المپیک را دریافت می‌کنند.